



منافات نداشتن دعا با رضا به قضا و قدر الهی

کلیدواژه: دعا کردن، قضا و قدر الهی، رضای الهی، استجابیت دعا.

پرسش: این مطلب که ما باید راضی به رضای خدا باشیم و آنچه را که خدا مقدر فرموده، با کمال میل پذیرا باشیم، چگونه با دعا کردن برای تغییر این قضا و قدر سازگار است؟

پاسخ: دعا خود یک نوع عبادت است؛ بنابراین می‌شود که انسان در عین آن‌که به قضا و قدر الهی راضی باشد و از آن هیچ‌گونه شکوه‌ای نداشته باشد، با دعا و نیایش انس بگیرد و در واقع مشغول دعا باشد که نوعی عبادت است. حتی از ذیل آیه به دست می‌آید، کسانی که از دعا سر باز می‌زنند، در واقع این رفتار نوعی خوی استکباری است که عذاب الهی را در پی دارد. پس دعا و رضا به قضا، می‌تواند در کنار هم قرار بگیرد و منافاتی با هم ندارند. دعا هرگز به مفهوم اظهار ناراضی از قضای خداوند نیست؛ بلکه دعا اظهار عجز و بندگی و نیاز انسان در پیشگاه خالق خود است که خداوند در مقابل آن به بنده خود پاداش می‌دهد و با توجه به این‌که دعا نوعی عبادت و اظهار بندگی است، پس دعا نکردن نوعی مقاومت در برابر قضا خواهد بود و انسان مؤمن باید بکوشد با دعا و تضرع، عجز و بیچارگی خود را نسبت به همه حوادث در پیشگاه خالق خود، اظهار کند و نباید حالت سرسختی و مقاومت داشته باشد. بنابراین دعا با رضا به قضای الهی نه‌تنها منافات ندارد، بلکه هر دو جزء آموزه‌های دینی است و انسان باید به هر کدام از آن آموزه‌ها در جای خود عمل کند.

فهرست مندرجات

- ۱ - قضا و قدر الهی
- ۱.۱ - قضا و قدر حتمی
- ۱.۲ - قضا و قدر غیر حتمی
- ۲ - نقش دعا در تغییر قضا و قدر
- ۲.۱ - روایتی از امام کاظم
- ۲.۲ - روایتی دیگر
- ۳ - مطالعه در سیره عملی ائمه
- ۳.۱ - دیدگاه امام خمینی
- ۴ - عبادت بودن دعا
- ۴.۱ - حقیقت دعا
- ۵ - نتیجه بحث
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

قضا و قدر الهی

بی‌تردید همه رخدادهای و پیش‌آمدها براساس قضا و قدر الهی است و هیچ پیش‌آمدی از حیطة قضا و قدر بیرون نیست؛ اما باید توجه داشت که قضا و قدر الهی دو گونه است:

← قضا و قدر حتمی

برخی مراتب قضا و قدر، در مرتبه لوح محفوظ است که قضا و قدر حتمی است و هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد و از طریق دعا و صدقه و صلّه رحم و مانند این‌ها، نمی‌توان در آن تبدیل و تغییری ایجاد کرد.

← قضا و قدر غیر حتمی

اما بعضی از امور در مرتبه قضا و قدر غیر حتمی قرار دارند و در مرتبه لوح محو و اثبات است. براساس آموزه‌های دینی، با دعا و صدقه و صلّه ارحام می‌توان تغییر و تبدیل در این مرتبه از قضا و قدر ایجاد کرد و خداوند به برکت دعا و نیایش بندگان، آنچه را به صورت غیر حتمی برای کسی مقدر کرده، تغییر دهد. بنابراین آنچه که خداوند به طور حتمی مقدر کرده که باید واقع شود، مربوط به مرتبه قضا و قدر حتمی الهی است که انسان‌ها باید بدان راضی باشند و اگر هم راضی نباشند، از هیچ طریق نمی‌توان جلوی وقوع آن را گرفت. اما آنچه در مرتبه قضا و قدر غیر حتمی و به اصطلاح در مرتبه لوح محو و اثبات است، رضای خدا به آن است که بندگان از طریق دعا، صدقه، صلّه رحم و ... موجبات تغییر آن را فراهم آورند تا شاید براساس حکمت و مصلحت الهی، در آن تغییر و تبدیل حاصل شود؛ از این‌رو بنده باید از طریق آنچه در آموزه‌های دینی آمده مثل دعا، صدقه و امثال آن شرایطی را فراهم آورد که خداوند در لوح محو و اثبات، از وقوع حوادث ناگوار برای بنده خود جلوگیری کند و این مسئله با رضای الهی و رضا به قضا و قدر الهی هیچ‌گونه منافاتی ندارد. [۱]

نقش دعا در تغییر قضا و قدر

نکته دوم آن است که براساس روایات، اساساً دعا برای تغییر در قضا و قدر غیر حتمی سفارش شده است. بنابراین دعا برای دفع بلاها و حوادث، هیچ‌گونه منافاتی با رضا به قدر و قضای الهی ندارد؛ مثلاً در روایتی آمده است:

← روایتی از امام کاظم

امام کاظم (علیه‌السلام) فرمودند: «ان الدعاء یردّ ما قد قُدرَ و لم یقدر؛ همانا دعا برمی‌گرداند آنچه را مقدر شده است و آنچه را مقدر نشده است». [۲]
راوی می‌گوید: به امام عرض کردم، امر مقدر نشده کدام است؟ حضرت فرمود: «حتی لا یكون» یعنی از مقدر شدن آن امر جلوگیری می‌شود. [۳]
طبق این روایت، دعا جلوی تقدیر را می‌گیرد و بلا حاصل نمی‌شود.

← روایتی دیگر

- و در روایتی دیگر آمده است:

«ان الدعاء و البلاء یترافقان الی یوم القیامه، انّ الدعاء لیردّ البلاء؛ [۴] همانا دعا و بلا تا روز قیامت با هم رفاقت کنند و همانا دعا بلا را برگرداند».

- و در روایتی دیگر آمده است:

«بر شما باد به دعا؛ زیرا دعا به درگاه خداوند و خواستن از او، برگرداند بلائی را که مقدر شده و حکم بدان شده و جز اجرای آن چیزی نمانده است؛ پس چون خداوند خوانده شد و از او درخواست شد، یک باره بلا برگردانده شود».[۵]

براساس این گونه روایات معلوم می‌شود، همان‌طور که در دستورات دینی، دستور به رضا به قضا الهی داده شده، دستور به دعا نیز آمده است. از این بیان معلوم می‌شود که منافاتی بین این دو نیست؛ چون خداوند ممکن است براساس سنت الهی خود، برخی امور را به گونه‌ای تنظیم کند که با دعا و نیایش بنده تغییر کند؛ لذا بنده در این‌گونه امور باید دست به دعا برآورد و از خداوند بخواهد که از او حادثه مقدر را دفع کند.

مطالعه در سیره عملی ائمه

نکته سوم آن است که از مطالعه در سیره عملی ائمه (علیهم‌السلام) به‌خوبی به دست می‌آید که رضا به قضا و قدر الهی، هرگز با دعا در جهت دفع بلا یا و حوادث منافاتی ندارد؛ به همین دلیل ائمه (علیهم‌السلام) با آن‌که به بالاترین مقام رضا و تسلیم در برابر قضا و اراده خداوند دست یافته بودند و تسلیم محض به رضای الهی بوده‌اند، در عین حال بیش‌ترین دعاها را داشته‌اند و برای دفع و رفع حوادث دعا می‌کرده‌اند. از این نکته نیز معلوم می‌شود که دعا و رضا به قضا با هم منافاتی ندارند و انسان باید در عین تسلیم و رضا، اهل دعا و نیایش باشد.

← دیدگاه امام خمینی

عارف بزرگ امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در تحلیل این مسئله می‌گوید:

«از سیره انبیای عظام و حضرات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز چنان ظاهر می‌شود که با آنکه مقامات آنها بالاتر از صبر و رضا و تسلیم بوده، مع ذلک هیچ‌گاه از دعا و عجز و تضرع در درگاه معبود خودداری نمی‌کردند و عرض حاجات خود را به حضرت حق تعالی می‌نمودند و این مخالف با مقامات روحانیه نیست؛ بلکه تذکر حق و انس و خلوت با محبوب و اظهار عبودیت و ذلت در پیشگاه عظمت کامل مطلق، غایت آمال عارفین است.» [۶]

عبادت بودن دعا

در قرآن کریم آمده است:

«وَقَانَ رَبُّكُمْ اِذْ غَوَى اسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الدِّينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَذَلُّونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ [۷] «پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند».

← حقیقت دعا

از این آیه به دست می‌آید که دعا خود یک نوع عبادت است؛ بنابراین می‌شود که انسان در عین آن‌که به قضا و قدر الهی راضی باشد و از آن هیچ‌گونه شکوه‌ای نداشته باشد، با دعا و نیایش انس بگیرد و در واقع مشغول دعا که نوعی عبادت است باشد. حتی از ذیل آیه به دست می‌آید، کسانی که از دعا سر باز می‌زنند، در واقع این رفتار نوعی خوی استکباری است که عذاب الهی را در پی دارد.

پس دعا و رضا به قضا، می‌تواند در کنار هم قرار بگیرد و منافاتی با هم ندارند. [۸]

گذشته از این، دعا هرگز به مفهوم اظهار ناراضی از قضا خداوند نیست؛ بلکه دعا اظهار عجز و بندگی و نیاز انسان در پیشگاه خالق خود است که خداوند در مقابل آن به بنده خود پاداش می‌دهد و با توجه به این‌که دعا نوعی عبادت و اظهار بندگی است، پس دعا نکردن نوعی مقاومت در برابر قضا خواهد بود و انسان مؤمن باید بکوشد با دعا و تضرع، عجز و بیچارگی خود را نسبت به همه حوادث در پیشگاه خالق خود، اظهار کند و نباید حالت سرسختی و مقاومت داشته باشد.

نتیجه بحث

بنابراین از مجموع آنچه بیان شد، به‌خوبی معلوم می‌شود که دعا با رضا به قضا الهی نه تنها منافات ندارد، بلکه هر دو جزء آموزه‌های دینی است و انسان باید به هر کدام از آن آموزه‌ها در جای خود عمل کند.

پانویس

- ↑ جواد آملی، عبدالله، حکمت عبادات، ص ۲۱۷ و ۲۱۸، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۳، ج ۴، ان الدعاء یردّ البلاء و القضاء، کتاب دعا، تهران، نشر دفتر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۴، ج ۴، ان الدعاء یردّ البلاء و القضاء، کتاب دعا، تهران، نشر دفتر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۴، ج ۴، ان الدعاء یردّ البلاء و القضاء، کتاب دعا، تهران، نشر دفتر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، ص ۳۰۶، ج ۸، ان الدعاء یردّ البلاء و القضاء، کتاب دعا، تهران، نشر دفتر فرهنگ اهل بیت، بی‌تا.
- ↑ موسوی خمینی، سیدروح‌الله، چهل حدیث، ص ۲۶۱، مؤسسه آثار امام، ج ۲۰، ۱۳۷۸ ش.
- ↑ مؤمن/سوره ۴۰، آیه ۶۰.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۴۷، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «منافات نداشتن دعا با رضا به قضا و قدر الهی»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۷/۱۱/۲۷.

رده‌های این صفحه : قضا و قدر | رضایت الهی | استجاب دعا | آداب دعا | شرایط دعا | اخلاق اسلامی